

مدارسی پدید آمد و در همین دوره بود که «تئاتر پناهگاهی» با رسالت تهییجی و روحیه‌بخشی شکل گرفت. از بر قرمز که طنین انداز می‌شد، همه به سوی پناهگاه‌ها می‌رفتند و بزرگان محل و یا خوش‌صحنان و یا گروه‌های تئاتری، سعی می‌کردند اذهان را به سمت دیگری بکشانند و از تشویش و اضطراب بکاهند.

تئاتر پناهگاهی با تأکید بر ژانر کمدی که گاه تا مرز کمدی بزن‌بکوب هم پیش می‌رفت از بر طرفدارترین اشکال و گونه‌های تئاتری در این مقطع بود و از سوی دیگر به شکل مطلوب‌تری رسالت‌های تعریف‌شده‌اش را بر آورده می‌کرد. سوی دیگر این دور رسالت تهییجی و روحیه‌بخشی

تاریخ و رویکردها

روزهای جنگ تحمیلی که شروع شد، پیامدها و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با خود را هم آورد. تئاتر هم به عنوان یک زیرمجموعه، خودآگاه و ناخودآگاه شماری از هنرمندان را تحریک کرد. سرانجام تئاتر هم آمده آن هم با شکل و محتوایی خاص و ویژه که رسالت‌هایی برای آن متصور شدند. همجمله‌های فراوان زمینی و هوایی نیروهای دشمن به سرعت، پناهگاه‌های مختلف کشورمان را سامان بخشید؛ پناهگاه‌هایی که گاه در زیرزمین یک خانه و گاه در گاراژ و در بست‌های متفاوت حلوه می‌یافت. رفته‌رفته پناهگاه‌های عمومی در محلات و

نیازمند جریان مستمر در تئاتر دفاع مقدس هستیم

بررسی چند وضعیت (گذشته و حال)

مهرداد ایرانی متخصص

عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری

به جبهه‌های جنگ مربوط می‌شد؛ جایی که شماری از هم‌وطنان در برابر دشمن، قد علم کرده و نیازمند یاری بودند.

تئاتر پیشگان به سرعت بسیج شدند و هم‌وطنان و رزمندگانی را که با جان خویش، معامله‌ای را با راضوان به انجام رسانده بودند، یاری دادند. تئاتری‌ها در قالب گروه‌های تبلیغاتی (خطاط، طراح، گروه‌های سرود و تئاتر، مداح و...) و یا به شکل گروهی مجزا از سوی ستاد تبلیغات جبهه و جنگ، سازماندهی می‌شدند و در مناطق مختلف عملیاتی حضور پیدا می‌کردند و با اجرای نمایش‌های خویش، ساعتی خوش و مفرح را برای مخاطبان فراهم می‌کردند. همین‌جا بود که تئاتر جنگ، رفته‌رفته به تئاتر دفاع مقدس میل پیدا کرد؛ اما حقیقت آن است که لفظ تئاتر جنگ، بعد از اتمام جنگ عراق با ایران و برقراری صلح به تئاتر دفاع مقدس تغییر نام داد. بدین‌سان تئاتر جدا از پشت جبهه‌های جنگ در میدان‌های جنگ هم حضور پیدا کرد و به عنوان یک رسانه، رسالت‌های مختلف خویش را به انجام رساند. این دسته از تئاتر بیشتر معطوف به روحیه‌بخشی بود و بررسی نمونه‌های متفاوت آن نشان می‌دهد که هدف کارگزاران هنری، جلب، جذب، سرگرم‌سازی و سپس ارایه مضامین مرتبط با حال و فضایشان بوده است؛ بنابراین ژانر کمدی و گاه مضحکه (فارس) به وفور یافت می‌شد و به لحاظ محتوایی، تمایل یا محدودیتی در کار نبود؛ یعنی تئاترها گاه به مسائل رزمندگان و گاه به مسائل مردم پشت جبهه و مسائل اجتماعی و امثالهم مربوط می‌شد.

دسته سوم تئاترهای جنگ یا دفاع مقدس به اجراهایی مربوط می‌شد که به شکل اجرای عمومی و در سطح شهرها رخ می‌داد. این نوع نمایش‌ها بیشتر قالب تراژیک داشتند و در آن به از خودگذشتگی، ایثار، شهادت و مفاهیمی از این دست توجه می‌شد. این نوع نمایش‌ها که به شدت ایدئولوگ و درصد تثبیت و یا تحلیل موقعیت رزمندگان بودند به شکل کاملاً تبیینی اجرا می‌شدند و از آنجا که گوشت و پوست و خون هر ایرانی در آن ایام (جنگ تحمیلی) با پدیده مقدس و سپس مخرب جنگ درگیر شده بود، نیازهای اجتماعی هم فراگیر شده و مسئولان ذی‌ربط فرهنگی هنری را به سمت ترویج این گونه وامی‌داشت تا آنجا که مثلاً در اولین جشنواره تئاتر فجر (۱۳۶۱) بیشتر نمایش‌ها با محوریت جنگ گزینش می‌شدند و در جشنواره‌های بعدی، بخشی تحت عنوان تئاتر جنگ (دفاع مقدس) شکل گرفت و بسیاری از جشنواره‌ها و حتی اجراهای عمومی، محوریت محتوایی و اندیشه ذکر شده را نشان و اصل قرار دادند. سه دسته تئاتر ذکر شده هم‌پای هم پیش رفتند تا جنگ به اتمام رسید؛ اما صرفاً دسته سوم باقی ماند. همان ایام که جنگ به اتمام رسید و قطع‌نامه ۵۹۸ مورد پذیرش واقع شد، بحث‌های تحلیلی و تبیینی هشت‌ساله سرگشود و کلیدی‌ترین جمله امام(ره) مبنی بر آنکه این جنگ

نعمت بود، کلید واژگان دفاع مقدس را پررنگ‌تر کرد و به تبع آن تئاتر دفاع مقدس هم رویه‌ای تکمیلی یافت. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با رسالت حفظ، تبیین و تشریح دوران هشت‌ساله جنگ عراق با ایران و دفاع رزمندگان کشورمان شکل گرفت و ذیل آن معاونت هنری و مدیریت تئاتر، مشغول فعالیت شدند و برای برآورده کردن نیازهای اجتماعی و نیز تحقق اهداف خرد و کلان بنیاد، جشنواره تئاتر دفاع مقدس و سپس همایش هفته‌های دفاع مقدس و گاه اجراهای مرتبط با آن را در تهران و شهرستان‌ها شکل دادند. فراز و نشیب‌های فراوانی در فعالیت‌های تئاتری این مرکز، که عمری نزدیک به یک دهه و نیم دارد، دیده می‌شود که پراهمیت‌ترین نکته مثبت آن، بودن و حفظ حداقل‌های این تئاتر بوده است و نکته منفی آن عدم توانایی در سازماندهی مالی و تشکیلاتی این گونه تئاتری به شکل مستمر است.

تحلیل موقعیت

پس از پایان جنگ، جدا از مرکز ذکر شده، همچنان نهادها و مراکز گوناگون دولتی کشور، نسبت به این گونه تئاتری، ارادت خویش را حفظ کردند؛ به‌ویژه نیروهای مسلح (وزارت دفاع، نیروی هوایی، نیروی زمینی، نیروی مقاومت، نیروی انتظامی و...) از جمله مراکزی بودند که توجه ویژه‌ای در هدایت و پیشانی‌نوشت فراخوان‌های خویش، مبنی بر اولویت‌بخشی به این قبیل آثار داشتند و همچنان این عنایت و اولویت‌بخشی قابل رویت است؛ اما متأسفانه غالب این مراکز، نگاه حمایتی و تشکیلاتی «مستمر» را در شکل‌دهی و سامان‌بخشی تئاتر دفاع مقدس نداشتند و فصلی و موسمی و «گاه» برای تشویق شدن از سوی مسئولان بالاتر سازمان‌دهی شده‌اند. ای کاش این قبیل سازمان‌دهندگان، حداقل تبلیغ ژورنالیستی و زودگذر راه‌می‌کردند و به بنیادی‌ترین شکل، این گونه را هدایت کرده و قوام‌می‌بخشیدند.

باری تئاتر از جمله هنرهای مظلوم این دیار است و از آن مظلوم‌تر زیرشاخه تئاتر جنگ و دفاع مقدس است. تئاتر جنگ و دفاع مقدس، نه به شکل مستقیم؛ اما به شکل مثبت و تأثیرگذار، رسالت‌های گوناگونی را به دوش کشیده و می‌کشد. گفتیم تئاتر در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس که خیل عظیم سلحشوران و جان‌برکفان، سلاح بر کف در برابر خطوط منقش به بعثی‌ها قرار داشتند، گاه برای تهییج روحیه و گاه برای ایجاد جوی دگرگونه و یا تفننی به کمک آن‌ها می‌آمد تا قدری بر روحیه آن‌ها بیفزاید و عزم جزمشان را راسخ‌تر کند. تأمل و تعمق بر تئاتر دفاع مقدس و شکافتن بارقه‌ها و شاکله‌های دراماتیک حظ‌برانگیز آن، امری است که از سالیان گذشته مورد کندوکاو و تجربه بوده است.

احداث و راه‌اندازی انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس از زیرمجموعه‌های بنیاد روایت در جوار

انجمن سینمای دفاع مقدس در کنار بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس از جمله نکاتی است که نشان می‌دهد احساس نیاز برای سازماندهی این قبیل حرکات‌ها وجود دارد. این انجمن، دومین مرکز مورد توجه برای حمایت تئاتر دفاع مقدس است و در سال ۱۳۷۶ به همت نیروی مقاومت بسیج و تأکید مسئولان فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایجاد شد و متولیان آن قصد دارند تا تئاتر دفاع مقدس را به جایگاه درخور خود برسانند؛ البته این تلاش، به طور کامل عینیت نیافت و دلایل متعددی در این باره قابل بررسی است که به جای خود به آن‌ها خواهیم پرداخت؛ اما پیش از هر چیز نیاز است که تئاتر دفاع مقدس در گذشته و به‌ویژه حال ترسیم شود تا بهتر بتوانیم برای آینده، برنامه‌ریزی استراتژیک کنیم. توجه به تئاتر دفاع مقدس به خودی خود و فی‌نفسه قابل قدرانی و ستایش است. همان‌گونه که بارها شنیده‌ایم، مانایی هر فرهنگی در گرو ثبت آن است و بهترین ظرف



برای این عمل، هنر است. قطعاً تئاتر به عنوان هنری بی‌واسطه، یک قدم از سینما و دیگر هنرها جلوتر و تأثیرگذاری و مانایی‌اش مطلوب‌تر است؛ زیرا جدا از آنکه تصویری است، نافذ هم هست. هر حرکت فرهنگی، هزینه‌ساز است. عموم کشورهای پیشرفته غربی و اروپایی و به‌ویژه آمریکا، حرکات‌های فرهنگی عظیمی را در سطح کلان طرح‌ریزی می‌کنند و عموم آن‌ها را هم در ساختار هنری می‌گنجانند و محصول آن‌ها را به خورد جهانیان می‌دهند. تصور عوامانه این است که سودی عاید چنین کشورهایی نمی‌شود و هزینه هنگفتی بابت چنین تولیداتی صرف می‌شود. حقیقت این است که آن‌ها به



گونه‌های دیگر سودآوری و بازگشت هزینه‌ها را رقم می‌زنند و فی‌المثل با تبلیغ فلان شخصیت، سیل تولیدات مهور به عکس و یا نشان این آدم‌ها و شخصیت‌ها را وارد بازار می‌کنند و درآمد بیشتری را در قیاس با سرمایه‌گذاری اولیه به دست می‌آورند و از سوی دیگر نیز فرهنگ خاصی را در اذهان جا می‌اندازند. در حقیقت تأثیر این فرهنگ مجانی در درازمدت بر جا می‌ماند و الگوبرداری‌های جوامع گوناگون از فرهنگ کشورهای ذکر شده، نمونه‌ای از همین مسائل است و اضافه کنید به این جمع، دگرگونی خودآگاه و ناخودآگاه جوامع را از یکدیگر. اگر خواهان مانایی و تأثیرگذاری درازمدت هستیم نباید از هزینه‌های گوناگون و کلان که تا کنون از تئاتر کشور، به‌خصوص تئاتر دفاع مقدس، دریغ شده است، بهراسیم. اگر خواهان تئاتر متکی بر مفاهیم دفاع مقدس هستیم و قصد داریم گونه‌های مستمر و جدی را ثبت کنیم باید همه‌جانبه (مادی و معنوی) از آن حمایت کنیم.

ساختاری که امروزه گریبان‌گیر تئاتر کشورمان شده عموماً ساختاری غرب‌زده و وارداتی است. اگر از زاویه دید غربی‌ها به ساختار مذکور نظر افکنیم، آن را معلول مقتضیات زمانی و مکانی خاص همان فرهنگ‌ها می‌بایم و در حقیقت، نیازها و انگیزه‌های هر جامعه‌ای به تناسب ساختارهای موازی را شکل می‌دهند. این ساختارها هم درون‌متنی هستند و هم هیبت عینی دارند و در مجموع ریخت بیرونی و درونی اثر، متناسب با تعریف جامعه، خواست‌ها،



آمال و آرزوهای آن شکل می‌گیرد. به کارگیری چنین ریختی در جامعه‌ای که خواست‌ها و انگیزه‌های متفاوت و دگرگونه‌ای با ما دارد، کمی غیرمنطقی به نظر می‌رسد و در نهایت موجب خلق اثری ناهنجار، نچسب و خالی از اندوخته‌های ژرف‌انگیز می‌شود؛ بنابراین تئاتر دفاع مقدس به فرم و ریختی نیاز دارد که با مفاهیم و اصالت‌های مستقر در آن همگونی داشته باشد. به دست آوردن این فرم و ریخت به سادگی میسر نمی‌شود. هر اقدامی در نخستین روزها و سال‌های تداومش با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شود؛ اما زمانی فرامی‌رسد که مشکلات در حد نازلی ظاهر می‌شود و آن زمان، وقتی است که شاکله اصلی آن حرکت پایدار شود. تئاتر به خودی خود در کشورمان مشکلات عدیده‌ای دارد و مسلماً و قطعاً تئاتر دفاع مقدس نیز از این مشکلات بی‌نصیب نمانده است؛ چنین است انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس. این انجمن و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به عنوان منجی این گونه تئاتری باید در تعریف سرفصل خود مستحکم، علمی و مستدل اقدام کنند و از همین زاویه، شکل یا اشکال مورد نظر را به عنوان الگوارائه دهند. این همه جز با پژوهش، تجربه، مباحثه مستمر و همکاری همه دستگاه‌های فرهنگی پدید نمی‌آید. همه این گفته‌ها نیز به درایت، آگاهی، مدیریت و حمایت مادی و معنوی مسئولان بازمی‌گردد.

یکی از آسیب‌های جدی تئاتر دفاع مقدس، این است که هیچ جریان مستمری از آن حمایت نمی‌کند و اصلاً جریان مستمری به نام «تئاتر دفاع مقدس» وجود ندارد و اگر همین جشنواره‌ها نیز تعطیل شوند (که به همت برخی در شرف وقوع است!) دیگر اثری از آن باقی نمی‌ماند. مشکل این جشنواره و اساساً جشنواره‌های تئاتری کشورمان در این است که عموم متولیان، راحت‌ترین راه را برای اثبات وجود، در برگزاری جشنواره می‌دانند. این است که ما انواع و اقسام جشنواره‌های تئاتری داریم؛ اما کمتر در طول سال با نمونه‌های آن‌ها مواجه می‌شویم و مراکزی که بانی این جشنواره‌ها و سرفصل‌های گوناگون تئاتر هستند، فقط در ایام جشنواره، پرطمطراق ظاهر می‌شوند و بعد هیچ اتفاق دیگری رخ نمی‌دهد. اگر جشنواره تئاتر دفاع مقدس بخواهد دقیق ظاهر شود و رشد بالنده‌ای را رقم بزند باید در طول سال هم فعالیت داشته باشد. نشست‌ها، پژوهش‌ها و اجراهای مستمر در شهرهای مختلف، می‌تواند به مطلوب شدن این گونه کمک کند. اینکه عده‌ای می‌گویند زمان جنگ گذشته و باید از این مفاهیم دوری کرد و جنگ‌طلب نبود، خواستی مشرکانه است و آن‌ها با اصل این دفاع مشکل دارند والا اگر همین افراد به کعبه آمالشان، یعنی مغرب‌زمین رجوع کنند، می‌بینند که سرشار از نمونه‌های سینمایی و تئاتری درباره جنگ‌های اول و دوم جهانی است. پس پرداختن به دفاع مقدس و مضامین آن، کهنه

و بیات نیست؛ البته همین‌جا نیز یک آسیب‌شناسی خاص مطرح می‌شود و آن این است که باید نگاه تحلیل‌گرایانه را چاشنی مضامین دفاع مقدس کرد. زمانی هنرمند بر حسب تعهدش، سعی داشت که به سبب شرایط روحی و عاطفی مخاطبانش که در گیرودار جنگ بودند بیشتر به امیدوار کردن، روحیه دادن و... بیندیشد و بر همین اساس، نمایش‌هایش مضامین تبلیغی و تهییجی پیدا می‌کردند و رشادت و شهادت به عنوان الگوهای اصلی و برجسته مورد بررسی قرار می‌گرفت. زمان گذشت و حال پس از گذشت سال‌ها از وقوع دفاع مقدس، نیاز است تا نوع دیگری به آسیب‌ها و قوت‌های جنگ نگریست. البته نباید سوءتعبیر را نضح داد. برخی هستند که همین مفر را برای آسیب‌رسانی به دفاع مقدس و ارزش‌های آن برمی‌گزینند. این افراد و این دیدگاه‌ها اساساً آسیب‌شناسی جنگ و دفاع مقدس را واژگونه جلوه می‌دهند و به سود شخصی می‌اندیشند و نه چیز دیگر. گذشت زمان، قطعاً نوع ارتباط را هم دگرگون می‌کند. با یک نگاه سطحی به حوزه کلمات و لغات مورد استفاده در گذشته و حال، می‌توانیم دریابیم که شماری از واژه‌ها منسوخ شده و شماری دیگر پدید آمده‌اند. همین تغییر و تحول را می‌توان در مکانیسم جمله‌سازی و در نهایت نوع ارتباط آدم‌ها تشخیص داد. جدا از اینکه باید بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی به تئاتر دفاع مقدس اندیشید. از سوی دیگر گذشت زمان، دریچه جدیدی را برای نوع نگاه هنرمند باز می‌کند. اگر هم‌اکنون به کلاس‌های آموزش نظامی در رشته‌های علوم و فنون نظامی

ورای آن باید خود را بیمه کرد. نگاه تحلیلی از سوی هنرمند متعهد و بی‌غل و غش، تضمین‌کننده احیای این طریقت است و گر نه این گونه‌نمایشی در نطفه خاموش می‌شود و وجوه گوناگون آن در حوزه‌های اجرایی و نوشتاری نضج پیدا نمی‌کند.

این همه نیاز به جریان مستمر و آزمون و خطا دارد. دیکته‌نویشته، غلط ندارد. با بودن درست و غلط، سنجش انجام می‌گیرد و در نهایت به سمت تعالی حرکت می‌کنیم. جشنواره فقط می‌تواند یک حرکت تبلیغی باشد و یا در نهایت نشان‌دهنده ضاعت‌های موجود. همین جشنواره نیاز به آسیب‌شناسی دارد. یکی از سؤالات اساسی این است که چرا پیش‌کسوتان و یا هنرمندانی که در حوزه‌های دیگر صاحب‌منزلت هستند و حرف خاصی برای گفتن دارند در این عرصه حضور نمی‌یابند و اتفاقاً شماری از آن‌ها در دسته سوم، یعنی هنرمندان متعهد و دلسوز، قرار می‌گیرند؛ ولی هیچ‌کدام در این جشنواره‌ها حضور نمی‌یابند. آسیب‌شناسی این مسائل و روروی می‌مسئولان فرهنگی که در جهت تئاتر دفاع مقدس عمل می‌کنند با هنرمندان، قطعاً مشکل را کاهش خواهد داد. اگر درصد شفاف بودن این بحث‌ها افزایش یابد، مسلماً راه‌کارهای منطقی، درست و اصولی ترسیم خواهد شد. نکته دیگر و ختم کلام این است که اگر خواهان این گونه‌نمایشی هستیم و اگر می‌خواهیم فرهنگ دفاع مقدس باقی بماند و اگر اعتقاد داریم که تئاتر می‌تواند این فرهنگ را بین مردم زنده نگه دارد و اگر به وجوه شکلی و محتوایی این گونه‌نمایشی معتقدیم باید برای آن سرمایه‌گذاری درازمدت کنیم تا تأثیراتش را در آینده مشاهده کنیم. نگاه مقطعی و باری به هر جهت، مشکلی را حل نخواهد کرد. نگاهی که فقط ساختاری تخت، یکسان و از پیش تعیین شده را می‌طلبد، آثاری خشک و بی‌روح را پدید خواهد آورد.



هم‌اکنون مشکل معیشتی دارد و یا همسرش تاب تحمل او را ندارد و... مسائلی است که جدا از نعمات دفاع مقدس قابل بررسی است. رزمنده‌ها در ایام دفاع مقدس با خدایشان معامله کرده‌اند و عقوبت خوش اخروی را برای خویش تضمین کردند؛ اما آیا همه در این راه با نگرش آن‌ها همراه بودند؟ سایش عقاید، اس و اساس درام است و تئاتر زمانی پدید می‌آید که تضاد، تناقض، چالش و... خلق شود و یکی از همین شیوه‌ها، تضاری است که می‌تواند بین آدم‌های نمایش در حوزه تئاتر دفاع مقدس به وقوع بپیوندد. پس نباید از آسیب‌شناسی جنگ هراسید؛ البته این همه نیازمند آدم‌های هنرمند و متعهد است و نه کسانی که این مفر را محل تخطئه قرار می‌دهند. اصولاً در حوزه تئاتر دفاع مقدس، شماری به سبب اینکه ژست اپوزیسیونشان خدشه‌دار می‌شود، آن را نمی‌پذیرند و از آن دوری می‌کنند. شمار دیگر نگاه تخطئه‌گر دارند و عموماً در قالب دوست و خودی وارد می‌شوند و در نهایت شیطنت خود را به گونه‌ای جاری و ساری می‌کنند. دسته سوم افراد متعهد و هنرمندی هستند که در نهایت با تمام آسیب‌شناسی‌ها و طرح نقاط منفی و مخرب جنگ، نگاه آرمانی و متعالی دارند. اینجاست که بحث اندیشه و محتوا مطرح می‌شود و نمی‌توان مابین اندیشه و شکل، جدایی انداخت. هنرمند تلاش می‌کند تا با ابزار و اشکال متفاوت، اندیشه‌ای را متجلی کند و با حداقل ذهن پرسشگر مخاطب را در جهت اهدافش به چالش وادارد. تئاتر دفاع مقدس در نخستین رویکردش با مخاطب، بلافاصله اندیشه را به چالش درمی‌آورد؛ یعنی مخاطب نخست به دنبال حرف و حدیثی است که در اثر دیده می‌شود و سپس به جاذبه‌ها و اشکال و شقوق منظر می‌پردازد و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

باری تئاتر دفاع مقدس در آغازین شکل‌ها باید نگاه ترویجی و تهیه‌جی می‌داشت و سپس به رویکرد تاریخی نزدیک می‌شد؛ اما در برهه‌ای نیازمند است تا صاحب دیدگاه تحلیلی شود.

دفاع مقدس، نعمت بود و همین که انسان‌هایی را به واکنش و تلاطم درونی، روحی و در نهایت استنتاج واداشت تا نسبت به آن عملی انجام دهند (بروند، بمانند، بجنگند، ستون پنجمی شوند و...) همین به تنهایی، قابل تأمل است. پدیده‌ای که ماهیت انسان‌ها را هویدا می‌کند و خود را با خود روبه‌رو می‌سازد در حوزه علوم انسانی و معرفتی، جایگاه رفیعی دارد. سالیان سال، انسان‌ها تلاش می‌کنند و عرق‌ریزان روحی را شکل می‌دهند و یا کتاب‌ها و رساله‌ها می‌نویسند و می‌خوانند تا به چنین مرتبتی نائل شوند؛ اما هشت سال دفاع مقدس به یک‌باره چنین پتانسیلی را به وجود آورد.

تازه این بخش کوچک و جزئی از نعمت دفاع مقدس است. پس صورت مسئله هویداست و نگاه آرمانی به دفاع، مشخص ترسیم شده است و حال در



مراجعه کنیم، بخش‌های عمده‌ای از این کلاس‌ها که در حوزه نظری و تاکتیک شکل می‌گیرد، شرح مبسوطی است از چگونگی پیروزی‌ها و شکست‌ها در حمله‌ها، تک‌ها، پاتک‌ها و... در حقیقت مدرسان این کلاس‌ها با گوشزد کردن نقاط مثبت و منفی یا نقاط قوت و ضعف، سعی دارند آینده نظامی را تضمین کنند و قطعاً آسیب‌شناسی حمله‌ها و جنگ‌ها جزء مسائلی است که به آن‌ها می‌پردازند و رویکرد این طرح و بررسی، ایجاد جو ناامیدی و یأس نیست، بلکه هدف این است که آینده بیمه شود و در مواجهه با موارد مشابه، آموزش پیشگیری و نوع برخورد درست و سنجیده عرضه گردد. هدف این مدرسان از عرضه آسیب‌شناسی جنگ، فقط نیش قبر هم نیست؛ یعنی نمی‌گویند تا تاریخ را بازگو کرده باشند. تمام این آموزش‌ها و مرورها، رویکردی انسانی و آینده‌گرا دارد. حوزه تئاتر نیز به سبب همین فاصله و تغییر در نوع ارتباط، نیازمند بازنگری است. نیاز است که آسیب‌شناسی جنگ در این حوزه نیز راه پیدا کند. فردی که در ایام دفاع مقدس، دست و پایش را از دست داده و

